

این نوشتار ضمن تبیین طرح حقوق بشر علامه مصباح که مشتمل بر ۳۲ ماده است، به مقایسه این طرح با اعلامیه جهانی حقوق بشر پرداخته، برتری طرح پیشنهادی علامه مصباح بر اعلامیه حقوق بشر را از لحاظ کیفیت، جامعیت، ضمانت اجرا، هماهنگی با هدف آفرینش، کمال محور بودن، ضابطه‌مندی و ابتکار در راهبردهای تأمین حقوق بشر اثبات می‌کند.

مانیفست جهانی مصباح

طرح پیشنهادی «حقوق بشر» علامه مصباح یزدی

در مقایسه با اعلامیه جهانی حقوق بشر محمود علی مددی

اصطلاح «حقوق بشر» پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ وارد فرهنگ عمومی شد؛ هرچند پیش از آن، اصطلاح «حقوق طبیعی» و «حقوق انسان» کاربرد داشته است.

دولت‌ها این اصطلاح را در مفهوم جدید خود، با تصویب و لازم‌الاجرا شدن منشور ملل متحد، و پس از آن، تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر پذیرفته‌اند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق بشر را در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، در قطعنامه (III) A تصویب کرد.

در بُعد وسیع‌تر می‌توان حقوق جهانی بشر را ناشی از ضرورت‌های پس از جنگ جهانی اول و دوم دانست. این محصول، خالی از افراط و تفریط نیست و فاقد جامع‌نگری و حقیقت‌مداری است. دقیقاً به دلیل همین کاستی است که حقوق بشر غربی همواره چالش‌برانگیز بوده، بسیاری از جوامع و اندیشمندان را به موضع‌گیری واداشته است.

اما در این میان، جایگاه دیدگاه‌های استاد علامه مصباح یزدی از نظر انسجام شکلی و پیوستگی، نظم و غنای محتوایی کاملاً برجسته و نمایان است. از یک‌سو ابتکار مهم استاد در پیشنهاد طرحی منسجم و به هم پیوسته آشکار شده و از سوی دیگر تلاش ایشان به موضع‌گیری اثباتی در کنار نگاه انتقادی معطوف است.

مطالعه تطبیقی طرح پیشنهادی و اعلامیه جهانی

ماده اول: حق حیات

در ماده اول طرح پیشنهادی آمده است: حیات موهبتی الهی است که خدای متعال به بندگان خود ارزانی داشته است.

در ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر به طور مطلق آمده است: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد».

برتری‌های طرح پیشنهادی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، در تبیین و تثبیت حق حیات آن است که:

۱. در طرح پیشنهادی منشأ این حق، یعنی خداوند، مشخص شده است، در حالی که در اعلامیه جهانی، این امر مسکوت است.

۲. با اعتراف به منشأ این حق، نمی‌توان استحقاق دارایی این حق را مطلق دانست و در

مواردی ممکن است خداوند امر به سلب این نعمت و موهبت الهی کند، و این مطلب از نظر عقلی و فلسفی قابل دفاع است؛ در حالی که اعلامیه جهانی با طفره رفتن از اعتراف به مبدأ و منشأ حقوق، از التزام به این امر عقلی شانه خالی کرده است.

۳. در اعلامیه جهانی ضمانت اجرایی برای حمایت از حق حیات انسان‌ها پیش‌بینی نشده.

۴. در اعلامیه جهانی، حق حیات یک فرد بر هدف آفرینش و مصالح مادی و معنوی انسان‌ها تقدم دارد و مبنای آن فردگرایی و انکار خدا.

ماده دوم: سلامت جسم و جان

در ماده دوم طرح پیشنهادی آمده است: «هر انسانی حق صحت بدنی و سلامتی روحی و عقلی دارد». در ماده بیست و پنج اعلامیه جهانی آمده است: «هر کس حق دارد که سطح زندگی او، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های طبیی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند».

در مقایسه میان این دو ماده باید گفت:

این حق نیز مثل حق حیات از سوی خداوند است، در حالی که در اعلامیه جهانی علت این حق بیان نشده است.

در ماده پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هیچ کس را نمی‌توان شکنجه یا مجازات کرد، یا با او رفتاری کرد که ظالمانه یا بر خلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد».

استاد درباره این ماده می‌فرماید: «انسانیت محترم است و نباید کاری کرد که به کرامت انسانی لطمه‌ای وارد آید و به موجب این ماده با هیچ کس نمی‌توان رفتاری کرد که ظالمانه یا بر خلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد». اما سؤال این است که کرامت انسان از کجا ناشی شده است؟ و چرا نباید در هیچ حالی کرامت انسانی از میان برود.

استاد مصباح در تبیین کرامت آدمی می‌گوید: برای آدمیان دو قسم کرامت است: کرامت تکوینی و کرامت تشریحی. قرآن درباره کرامت



استاد مصباح در تبیین کرامت آدمی می‌گوید: برای آدمیان دو قسم کرامت است: کرامت تکوینی و کرامت تشریحی...

تکوینی می‌فرماید: ولقد کَرَّمنا بنی آدمَ و حملنا هُم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر مَمَّن خلقنا تفضیلاً.

این آیه بیانگر همان نعمت‌های خاصی است که خدای متعال فقط به انسان‌ها ارزانی داشته است و بدان‌گونه آنان را تکریم کرده و بر دیگر مخلوقات، برتری داده است. اما مراد از کرامت تشریحی و قانونی این است که هر انسانی در آغاز و پیش از آنکه خود را به جرم و گناهی بیالاید، از حرمت و عزت برخوردار است و نباید به هیچ روی در معرض اهانت و بی‌احترامی واقع شود.

خدای متعال این کرامت تشریحی را به انسان عطا فرموده؛ اما بقایش را مشروط به نیکوکاری خود بشر دانسته است و هیچ دلیل معقول و متقنی بر حفظ کرامت و حرمت انسان با ارتکاب هر جرمی نیست.

ماده سوم: حق بهره‌مندی از مواهب طبیعی

در این ماده آمده است:

۱. هر انسانی حق استفاده از نعم و مواهب مادی و طبیعی خدای متعال از قبیل نور، هوا، آب و سایر موارد را دارد تا بتواند نیازهای جسمانی خود را رفع کند.

۲. هر انسانی، در کیفیت استفاده از نعم و مواهب تا آنجا که به مصالح مادی و معنوی خود آسیب نرساند، آزاد است. در ماده بیست و چهارم اعلامیه جهانی آمده است: «هر کس حق استراحت و فراغت دارد و به‌خصوص به محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی‌های ادواری با اخذ حقوق، ذی‌حق می‌باشد».

مقایسه این دو:

استاد در ضمن این بند و بند دوم همین ماده، این حق را برای افراد به رسمیت شناخته و دولت را به‌طور ضمنی مکلف به زمینه‌سازی برای امکان بهره‌مندی افراد دانسته است؛ لکن نظام خاصی در این باره تعیین نشده است؛ در حالی که اعلامیه جهانی در این باره راه دیگری را رفته و با دست گذاشتن روی یک نمونه خاص، سعی کرده دستور ویژه‌ای را در این باره صادر کند و در ماده ۲۴ قید کرده است که: «... با اخذ حقوق ذی‌حق می‌باشد».

ماده چهارم: کار و اشتغال

۱. هر انسانی تا آنجا که به مصالح مادی و معنوی خود و دیگران آسیب نرساند، حق تصرف در موجودات را دارد؛

۲. هر انسانی حق دارد که هر حرفه و شغلی را که می‌خواهد برگزیند.

ماده پنجم:

در این ماده نیز در جمع بین حق و تکلیف بشری آمده

است: «هر انسان موظف است که برای تحصیل آنچه خود و خانواده‌اش بدان نیاز دارند کار کند». این ماده گویای آن است که انسان نه فقط حق کار کردن دارد، بلکه موظف است که کار کند و نیازهای جسمانی و مادی خود و خانواده‌اش را برآورد تا سربرابر دیگران نباشد.

ماده ششم:

بنا بر ماده ششم: «دولت موظف است که با برنامه‌ریزی‌های صحیح زمینه فعالیت‌های اقتصادی افراد جامعه را فراهم آورد».

ممکن است در هر جامعه‌ای کسانی باشند که هم قدرت بدنی و روحی لازم برای کار را داشته باشند و هم جویای کار باشند؛ لکن زمینه فعالیت نیابند. اینان بدون آنکه خود بخواهند، نمی‌توانند وظیفه شرعی و قانونی خود را، که در ماده قبل بدان اشاره شد، به جای آورند.

از موارد مربوط به کار در طرح پیشنهادی استاد مصباح این مطلب قابل استفاده کرده است:

۱. حق اشتغال برای همه؛

۲. تعیین حد تصرف در طبیعت و تولید بر اساس مصالح مادی و معنوی خود و دیگران؛

۳. آزادی انتخاب نوع شغل؛

۴. تعیین نوع شغل بر اساس خیر و صلاح فرد و جامعه؛

۵. تکلیف به کار برای امرار معاش خود و خانواده؛

۶. مسئولیت دولت در تأمین شغل برای افراد جامعه.

در ماده بیست و سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

الف) هر کس حق دارد کار کند؛ کار خود را آزادانه انتخاب نماید؛

ب) همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند؛

ج) هر کس که کار می‌کند به مزد منصفانه و رضایت‌بخشی ذی‌حق می‌شود که زندگی او و خانواده‌اش را موافق شئون انسانی تأمین کند.

د) هر کس حق دارد برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد.

از سوی دیگر طرح پیشنهادی این مزیت را دارد که در انتخاب شغل نیز کرامت انسانی از یک‌سو و حق خداوند از سوی دیگر باید لحاظ گردد.

ماده هفتم: تأمین اجتماعی

«دولت وظیفه دارد که مایحتاج کسانی را که به سبب نقص خلقت یا عوارضی که پس از ولادت پیش آمده است و قدرت جسمی یا روحی لازم برای کار را فاقدند و کسی متکفل اداره زندگی‌شان نیست تأمین کند».

ماده بیست و پنجم اعلامیه جهانی:

الف) هر کس حق دارد که سطح زندگی او، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده او وسایل امرار معاشش از دسته رفته باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار باشد؛
ب) مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند.

ماده هشتم: مالکیت

«هر انسانی حق مالکیت، نسبت به آنچه از طریق مشروع، کسب کرده است دارد؛ مگر در مواردی که مالکیتش با مصالح خود او یا مصالح جامعه سازگار نباشد».

البته این حق تملک مشروط به دو شرط است:

۱. مملوک از طریق مشروع و قانونی به دست آمده است؛
۲. مالکیت مالک با مصالح خود وی یا مصالح جامعه تضاد نداشته باشد.

در ماده هفدهم اعلامیه جهانی آمده است:
الف) هر شخص منفرداً یا به‌طور اجتماع حق مالکیت دارد؛

ب) هیچ کس را نمی‌تواند بدون مجوز قانونی از مالکیت محروم کرد.

این ماده حق مالکیت را صرفاً محدود به منع قانونی کرده است و ضابطه‌ای جز قوانین موضوعه بشری برای تحدید مالکیت پذیرفته نشده است. بنابراین مالکیت، محدود به اعتبار ساخته اراده عمومی است و اهرمی برای دستیابی به منافع متعالی دیگری به شمار نمی‌رود؛ در حالی که در طرح پیشنهادی، سه امر شرع و حقوق الهی، مصالح فرد و مصالح جامعه، حد مالکیت به شمار آمده است. بر این اساس، قانونی که شرع، مصالح فردی و مصالح جامعه را نادیده بگیرد نمی‌تواند در تعیین حد مالکیت تأثیرگذار باشد؛ چون از مشروعیت برخوردار نیست.

ماده نهم: ازدواج

۱. هر انسانی حق دارد که گزینه جنسی خود را به طریق مشروع ارضا کند و با ازدواج با

دیگری تشکیل خانواده دهد؛

۲. هر انسانی حق دارد که از میان کسانی که قانوناً می‌توانند همسر او باشند، هر که را خود می‌خواهد برگزیند. هیچ مرد یا زنی را نمی‌توان به زناشویی با زن یا مرد خاصی واداشت.

ماده شانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد:

الف) هر زن و یا مرد بالغی حق دارد بدون هیچ‌گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر تشکیل خانواده دهند.
ب) ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود.

ج) خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود. از دیدگاه استاد مصباح، بندهای دوم و سوم این ماده درست و مطابق با دیدگاه اسلام است؛ اما بر بند اول آن نقد جدی وارد است:

«اگر مراد از این بند این باشد که هر زن یا مرد بالغی حق زناشویی و تشکیل خانواده دارد، البته سخنی درست است؛ اما اگر مراد این باشد که هر زنی حق دارد که با هر مردی که بخواهد ازدواج کند، و به همین ترتیب هر مردی می‌تواند که با هر زنی که بخواهد زناشویی کند، سخنی نیست که به‌طور مطلق پذیرفتنی باشد».

ماده دهم: حق داشتن فرزند

«هر انسانی حق داشتن هر تعداد فرزندی که بخواهد دارد».

چون فرزنددار شدن نیاز طبیعی و اجتماعی هر فردی است، هیچ کس، حتی دولت نمی‌تواند افراد را از بچه‌دار شدن منع کند. در این باره، در اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده‌ای وجود ندارد.

ماده یازدهم: حق سرپرستی و تربیت فرزند

«سرپرستی و حضانت، تربیت و تعلیم هر کودک، حق پدر و مادر اوست».

بنابراین، کسی حق ندارد که طفلی را از آغوش خانواده‌اش جدا کند و به محیط دیگری بسپارد. در این باره در اعلامیه جهانی ماده‌ای وجود ندارد.

ماده دوازدهم: آزادی از بردگی

طرح پیشنهادی: «هر انسانی اصالتاً و بالذات، آزاد آفریده شده است. بنابراین هیچ انسانی



«سرپرستی و حضانت، تربیت و تعلیم هر کودک، حق پدر و مادر اوست».

بنابراین، کسی حق ندارد که طفلی را از آغوش خانواده‌اش جدا کند و به محیط دیگری بسپارد. در این باره در اعلامیه جهانی ماده‌ای وجود ندارد.

نگریسته شده است؛ در حالی که از نظر اسلام موافقت با مندرجات این ماده به عدم مخالفت آنها با مصالح اجتماعی و به تعبیر دیگر عدم تضاد با حق الله و حق جامعه مشروط است.

ماده پانزدهم: آزادی و بیان عقیده

در این باره، طرح پیشنهادی چنین آمده است:

۱. «هر انسانی تا آنجا که مصالح مادی و معنوی جامعه لطمه‌دار نشود، در برگزیدن و داشتن آرا و عقاید علمی، فلسفی، دینی و مذهبی و اخلاقی و عرفانیو ادبی و هنری آزاد است».

۲. «همچنین هر انسانی آزاد است که به آداب و مراسم دینی و مذهبی خود عمل کند».

لازمه پذیرش حق آزادی در گزینش دین و مذهب این است که شخص حق انجام دادن مناسک و شعایر دینی و مذهبی خود را داشته باشد.

ماده شانزدهم: آزادی در بیان عقیده

طرح پیشنهادی در این باره می‌گوید: «فقط تبلیغ عقاید و احکام دینی و مذهب حق آزاد است. ترویج و اشاعه آرا و عقایدی که عامه مردم را از دین و مذهب حق منحرف می‌کند و موجب گمراهی‌شان می‌شود ممنوع است. همچنین هر انسانی تا آنجا که مصالح مادی و معنوی جامعه لطمه‌دار نشود، در برگزیدن و داشتن آرا و عقاید علمی، فلسفی، دینی و مذهبی و اخلاقی و عرفانی و ادبی و هنری آزاد است.

فرق اسلام با دیگران، در تعیین مصادیق افکار و نظرات فاسدکننده و زیان‌آور است.

بنا بر ماده هجدهم، اعلامیه جهانی: «هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذاهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان است، و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می‌تواند از این حقوق منفرداً یا مجتمعا به‌طور خصوصی یا عمومی برخوردار باشد».

در ماده نوزدهم آمده است: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشته‌های خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و انتشار آن به تمام مسائل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد».

به عقیده استاد این دو ماده و به‌ویژه «ماده هجدهم» مستقیماً ناظر به احکامی است که در همه ادیان الهی، عموماً، و در اسلام، خصوصاً، درباره ارتداد و بازگشت از دین هست. اینان در برابر احکام ارتداد، موضع منفی دارند و

را نمی‌توان با استناد به اموری از قبیل رنگ پوست، نژاد، خون و زبان به بردگی کشید. البته ممکن است کسی به سبب سوء اختیار خویش حق استقلال در شخصیت حقوقی خود را از دست بدهد و برده شود». در ماده چهارم اعلامیه آمده است: «احدی را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت و دادوستد بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است».

مبنای آزادی‌های آدمی این است که انسان این‌گونه متولد شده است! بنا بر این مبنای طبیعی است سلب این آزادی به هرگونه که باشد خلاف قاعده و ناحق خواهد بود؛ در حالی که بر مبنای طرح پیشنهادی آزادی انسان موهبتی است که از سوی خداوند به انسان اعطا شده است.

ماده سیزدهم: امنیت اجتماعی (آزادی از تعرض)

طرح پیشنهادی، درباره امنیت آمده است: «هر انسانی حق دارد که عرض، ناموس، موقع و حیثیت اجتماعی‌اش، از تعرض و تجاوز دیگران مصون باشد».

ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد».

در ماده بیست و دوم آمده است: «هر کس به‌عنوان عضو اجتماع، حق امنیت اجتماعی دارد، و مجاز است به‌وسیله مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نمو آزادانه شخصیت اوست، با رعایت تشکیلات و منافع هر کشور به دست آورد».

درباره امنیت افراد در برابر دیگران، میان اعلامیه و طرح پیشنهادی در کلیت آنها تفاوتی وجود ندارد، اما ممکن است در برخی احکام اسلامی، مثل مراتبی از امر به معروف و نهی از منکر، که به عموم مربوط می‌شود، تفاوت باشد.

ماده چهاردهم: آزادی تعلیم و تعلم

طرح پیشنهادی، در این باره آمده است:

۱. هر انسانی حق دارد عقاید و احکام صحیح دینی و مذهبی و راه و رسم خوب زیستن را بیاموزد و بیاموزاند؛

۲. هر انسانی حق تعلم و تعلیم هر یک از علوم، فنون، حرف و صنایعی را که برای تأمین مصالح مادی و معنوی فرد یا جامعه ضروری و مفید است، دارد.

در ماده بیست و هفتم اعلامیه جهانی آمده است: «هر کس حق دارد در زندگی فرهنگی جامعه شرکت کند؛ از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد. هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود». در این ماده مشارکت فرهنگی و تمتع از فنون و هنرها منوط به شرطی نشده و با نگاهی سکولار به هنر

در دیدگاه استاد، چالش اعلامیه جهانی این است که بنا بر طرح اسلامی حقوق بشر می‌توان گفت همه افراد بشر باید در قبال یکدیگر با روح برادری رفتار کنند؛ زیرا از دیدگاه دین همه افراد بشر واقعاً و حقیقتاً برادرند. در ماده دوم اعلامیه جهانی نیز آمده است: «هر کس می‌تواند بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، جنس و زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره‌مند گردد. افزون بر این هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد. از دیدگاه استاد، این ماده که تبعیضات را مطلقاً نفی و لغا می‌کند، به جای آنکه یک قانون باشد، یک شعار است.

ماده هجدهم: حقوق زن

طرح پیشنهادی در این باره می‌گوید: «مرد و زن در انسانیت و آنچه از لوازم مشترک انسان‌هاست یکسانند و بر این اساس در حقوق و آزادی‌هایی که ناظر به همین مشترکات است برابرند. در عین حال اختلافات تکوینی، اعم از بدنی و روحی، با یکدیگر دارند و همین اختلافات موجب تفاوت‌هایی در زمینه حقوق و آزادی‌ها و نیز تکالیف و محدودیت‌های اجتماعی خواهد بود».

اعلامیه جهانی حقوق بشر به این تفاوت‌ها توجه نمی‌کند و حکمت نهفته در ورای این تفاوت‌ها را نادیده می‌گیرد.

از این‌رو در ماده دوم این اعلامیه آمده است: «هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، نسب یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد».

ماده نوزدهم: مشارکت سیاسی

طرح پیشنهادی در این باره چنین آمده است:

۱. هر انسانی حق دارد تا آنجا که با مصالح مردم منافات نداشته باشد، در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کند و در بر سر کار آوردن متصدیان امور جامعه دخیل باشد.

معتقدند که هر شخصی مجاز است که از دین خود دست بردارد و کیشی نو بپذیرد. درباره رابطه میان ارتداد با آزادی عقیده در اسلام، ممکن است دلایل متعددی اقامه شود از جمله:

۱. با توجه به آیات مربوط به ارتداد این گونه به نظر می‌رسد که اسلام با این کار درصد آن است که حصار ایمان اسلامی را حفظ کند. در حقیقت اسلام بعد از اینکه مردم ایمان آوردند نظام اسلامی را مکلف کرده است که از ایمان مردم حفاظت و حراست کند.

۲. از آنجا که محور و قوام جامعه دینی را ایمان آن جامعه به خدای تعالی شکل می‌دهد، با هر چه این محور را متزلزل کند به منزله آفت خطرناک جامعه و نظام دینی باید مقابله کرد.

ماده هفدهم: برابری در برابر قانون

طرح پیشنهادی مقرر می‌دارد: «همه انسان‌ها از یک پدر و مادر (آدم و حوا) پدید آمده‌اند، افراد یک نوع واحدند و اختلافاتی که در اموری مانند رنگ پوست، نژاد، خون، زبان، محل ولادت و فقر و غنا دارند در انسانیت آنان هیچ‌گونه تأثیری ندارد. بنابراین همگی در برابر قانون مساوی‌اند».

تساوی در برابر قانون، از یک سو بر مبنای حکمت الهی است و از سوی دیگر تبعیض در این باره، خلاف حکم عقل، و ترجیح بدون مرجح یکی از دو امر مساوی است.

در ماده اول، اعلامیه جهانی مقرر داشته است: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند».

نقطه ضعف این ماده آن است که به تعبیر استاد، نویسندگان معلوم نکرده‌اند که آیا ماده حاوی اصول موضوعه اعلامیه است یا فقط ماده‌ای است معادل و هم‌عرض دیگر مواد؟ همچنین معلوم نیست اینکه همه افراد بشر «باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند» قاعده‌ای اخلاقی است یا حقوقی؟ رفتار برادرانه هم تعبیری مبهم است و حد و مرز معین و مشخص ندارد؛ یعنی روشن نیست چه کاری ناقض روح برادری است و چه کاری با روح برادری منافات ندارد؟

هر انسانی حق دارد تا آنجا که با مصالح مردم منافات نداشته باشد، در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کند و در بر سر کار آوردن متصدیان امور جامعه دخیل باشد.

۲. هر انسانی در کیفیت فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود آزاد است.

ماده بیستم:

در اعلامیه جهانی چنین آمده است: الف) هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز تشکیل دهد. ب) هیچ کس را نمی‌توان به شرکت در اجتماع مجبور کرد.

در ماده بیست و یکم آن نیز آمده است: الف) هر کس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید.

ب) هر کس حق دارد با تساوی شرایط به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید.

ج) اساس و منشأ قدرت حکومت، اراده مردم است. این اراده باید به‌وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و به‌طور ادواری صورت پذیرد.

استاد در این باره می‌فرماید:

اگر مقصود از اینکه هر کس حق دارد در اداره امور کشور خود شرکت جوید این است که هیچ‌گونه تبعیضی از حیث نژاد، رنگ پوست، زبان، وضع اجتماعی، ثروت، وضع ولادت، نباید در کار باشد، البته سخنی درست است؛ اما اگر مقصود این است که همه افراد حتی آنان که صلاحیت دخالت ندارند، می‌توانند در تدبیر امور دخالت و شرکت داشته باشند، قابل قبول نیست و معقول نیز نمی‌تواند باشد.

اما بند سوم این ماده که اراده ملت را اساس و منشأ قدرت حکومت می‌داند از سوی استاد نقد شده است؛ زیرا منشأ مشروعیت از نگاه دین، جز خدا نیست و تبیین این مطلب در ماده بیست و دوم طرح پیشنهادی خواهد آمد.

در مجموع امتیاز طرح پیشنهادی در «صلاحیت‌مداری» در حوزه تصدی امور اجتماعی است.

ماده بیست و یکم: تکلیف مشارکت سیاسی

«مشارکت در هرگونه فعالیت سیاسی و اجتماعی که برای تأمین مصالح عموم ضرورت داشته باشد، وظیفه همه افراد جامعه است». انسان به موازات حق بهره‌مندی خود از جامعه، مکلف به ایفای نقش سازنده در آن است.

ماده بیست و دوم: حاکمیت

در ماده بیست و دوم طرح پیشنهادی آمده است: «حق حاکمیت مختص خدای متعال است و بنابراین هیچ انسانی اصالتاً و ابتدا حق حاکمیت بر هیچ انسان دیگری را ندارد. فقط آنان که از سوی خدای متعال مأذون‌اند می‌توانند

بر انسان‌ها حکومت کنند».

مفاده این ماده یکی از مهم‌ترین اصول فلسفه سیاسی، فلسفه حقوق، و حقوق سیاسی اسلام یعنی بحث منشأ مشروعیت است.

اسلام همان‌گونه که برای همه موجودات (و از جمله انسان)، عبودیت تکوینی قایل است، انسان را عبد تشریحی خدای متعال می‌داند. عبودیت تشریحی بشر یکی از اصول و مبانی حقوق اسلامی است و ربوبیت تشریحی خدای متعال اقتضا دارد که وی حق تعیین قانون و حاکم را داشته باشد.

در مقابل، آزادی انسان‌ها در وضع قوانین و نصب حکام، مهم‌ترین رکن نظریه دموکراسی است و افزون بر اینکه یک ماده از مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر را به خود اختصاص داده، در بسیاری از موارد و مواضع این اعلامیه به‌گونه تلویحی گفته شده است حق وضع قانون و تعیین حاکم اصالتاً از آن خود انسان‌هاست و هیچ منبع دیگری صلاحیت آن دو امر مهم را ندارد.

آیت‌الله مصباح برخلاف این دیدگاه معتقدند حق تعیین قانون و حاکم، اصالتاً و در آغاز، از آن خدای متعال است و انسان‌ها ذاتاً در این زمینه هیچ گونه حقی ندارند.

ماده بیست و سوم: حق انقلاب و مبارزه با حکومت نامشروع

۱. «همه افراد جامعه، نه تنها حق، بلکه تکلیف دارند که با حاکم و حکومت غیر مشروع مبارزه کنند».

از ماده بیست و دوم استفاده می‌شد که هیچ انسانی بدون اذن خدای متعال نمی‌تواند بر مردم حکومت کند. همچنین هیچ گروه، قشر و طبقه‌ای حق ندارد حاکم و حکومتی را که خود می‌پسندد بر سر کار آورد.

۲. «همه افراد جامعه نه تنها حق، بلکه تکلیف دارند حکومتی مشروع بر سر کار آورند».

کسی که واجد صلاحیت‌های لازم برای حکومت و رهبری است نمی‌تواند به صرف مأذون بودن از طرف خدای متعال، قدرت را در دست بگیرد؛ زیرا مأذونیت فقط سبب قانونی بودن و مشروعیت حکومت است و حکومت، افزون بر مشروعیت، نیازمند مقبولیت هم هست.

بنابراین مردم مکلف‌اند پس از احراز صلاحیت و حق یک فرد برای حکومت، بکوشند تا قدرت به دست او سپرده شود. در ماده بیست و هشتم اعلامیه جهانی آمده است: «هر

کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی حقوق و آزادی‌هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده است، تأمین کند و آنها را به عمل بگذارد».

در این ماده ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود از حق تصمیم‌گیری برخوردارند که این مسئله از دیدگاه اسلام نیز پذیرفته است.

ماده بیست و نهم: حق دادخواهی

«هر فرد مظلومی حق دارد که به محاکم قضایی رجوع کند و از شخص ظالم، خواه از متصدیان امور حکومتی باشد و خواه نباشد، به آنها شکایت بَرَد و داد خود را بخواهد».

ماده سی‌ام: حق دفاع در برابر اتهامات

در این باره آمده: «متقابلاً هر فردی حق دارد که با حضور در دادگاه ذی‌صلاح شخصاً یا به توسط وکیل مدافع، از خود در برابر اتهامات وارده، دفاع کند».

این ماده، دولت را از تعقیب و مجازات خودسرانه باز می‌دارد و بر ضابطه‌مندی روند قضایی که در اسلام بسیار تأکید شده است، اصرار دارد، و در احقاق حقوق و اجرای حدود، جانب احتیاط قضایی را تقویت می‌کند.

ماده سی و یکم:

هیچ فردی قبل از اینکه جرم او ثابت شود مجرم تلقی نخواهد شد و کیفر نخواهد شد.

ماده سی و دوم: اقدامات بشردوستانه

درباره این ماده آمده است: همه انسان‌ها افراد یک خانواده‌اند. بنابراین هر انسانی اخلاقاً و شرعاً حق، و بلکه تکلیف دارد که با هر فرد یا دولتی که به هر نحوی از انجا برخلاف مصالح مادی یا معنوی انسان‌ها فعالیت می‌کند یا حتی به یک انسان ظلمی روا می‌دارد، به مقابله و مبارزه برخیزد.

آیت‌الله مصباح، این ماده را یکی از مهم‌ترین مواد این نظام‌نامه حقوقی می‌داند که ناظر بر مطالبی است که امروزه از اصول مسلم و بی‌چون‌وچرای حقوقی انگاشته می‌شود و بر مبنای آن با استناد به اینکه هیچ کسی حق دخالت در امور داخلی کشور دیگری را ندارد، دست هیئت حاکمه هر کشور را در انجام هر جرم و جنایتی باز می‌گذارند.

از دیدگاه آیت‌الله مصباح، این دیدگاه که هیچ کسی حق مداخله در امور داخلی کشور دیگری را ندارد، مردود و مطرود است و نباید آدمیان را با مرزهای طبیعی یا قراردادی از هم جدا ساخت؛ زیرا تنها مرز صحیح و مقبول، «عقیده» است. آنچه باید «نامحدود» باشد، حق طلبی و عدالت‌خواهی است.

ماده بیست و چهارم: وظیفه دولت در تأمین مصالح جامعه

چنین آمده است: «وظیفه دولت تأمین مصالح مادی و معنوی‌ای است که هیچ یک از افراد و گروه‌های جامعه آنها را تأمین نکرده‌اند. طریق مشروع تأمین مصالح را فقه اسلامی معلوم می‌دارد. طبعاً دولت اختیاراتی متناسب با وظایف خود خواهد داشت».

بنابراین در طرح پیشنهادی آمده است: هر مصلحت مادی و معنوی‌ای که هیچ فرد و گروهی تأمینش را بر عهده نگرفته است، در قلمرو وظایف دولت واقع می‌شود.

ماده بیست و پنجم: وظیفه اطاعت از حکومت مشروع

در طرح پیشنهادی آمده است: «همه افراد جامعه وظیفه دارند که احکام و مقررات دولت مشروع را کاملاً اطاعت کنند».

ماده بیست و ششم: حق انتقاد به حاکمان

در طرح پیشنهادی آمده است: «هر یک از افراد جامعه حق، و بلکه تکلیف دارد که اگر یکی از احکام و مقررات دولت مشروع را ناحق و غیرعادلانه یافت، یا شیوه اجرای آن را نادرست دید، مسئولان امر را نصیحت کند و تذکر دهد».

آنچه از این ماده استفاده می‌شود این است که اگر کسانی پاره‌ای از احکام و مقررات دولت مشروع را برخلاف حق و عدل می‌یابند یا بعضی از کارهایی را که از متصدیان امور سر می‌زند خطا و نادرست می‌بینند، حق، و بلکه تکلیف دارند که از خیرخواهی، پند و اندرز، انتقاد دوستانه، و ارائه پیشنهادی سازنده مضایقه نکنند.

ماده بیست و هفتم:

«هیچ یک از افراد جامعه حق معارضه با دولت مشروع را ندارد».

ماده بیست و هشتم: حقوق قضایی

طرح پیشنهادی در این باره مقرر می‌دارد: «دولت موظف است که متخلفین از احکام و مقررات عادلانه را تعقیب و مجازات کند».



از دیدگاه آیت‌الله مصباح، این دیدگاه که هیچ کسی حق مداخله در امور داخلی کشور دیگری را ندارد، مردود و مطرود است و نباید آدمیان را با مرزهای طبیعی یا قراردادی از هم جدا ساخت؛ زیرا تنها مرز صحیح و مقبول، «عقیده» است. آنچه باید «نامحدود» باشد، حق طلبی و عدالت‌خواهی است.